



بررسی رابطه هوش فرهنگی و یادگیری در دانش آموزان

نگار خادمی هوشیار

کارشناسی آموزش ابتدایی، واحد آبدیه، دانشگاه آزاد اسلامی، آبدیه، ایران

Email: Khademi905@gmail.com

زهرا فولادی

کارشناسی آموزش ابتدایی، واحد آبدیه، دانشگاه آزاد اسلامی، آبدیه، ایران

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه هوش فرهنگی و یادگیری بوده است. اندیشمندان از دیرباز به اهمیت یادگیری و ضرورت شناخت آن پی برده اند. به طوری که تاریخچه بررسی یادگیری به ۲۴۰۰ سال قبل یعنی دوران افلاطون و ارسطو باز می گردد. افلاطون معتقد بود که دانش ارثی است لذا آن را یکی از اجزاء طبیعی ذهن آدمی می دانست. به باور افلاطون، آدمی از راه اندیشیدن درباره محتوای ذهن خود کسب دانش می کند. از سوی دیگر، ارسطو معتقد بود که دانش، نتیجه تجربی حسی است و ارثی نیست. عقاید این دو دانشمند در طول تاریخ طرفداران و مخالفینی داشته و اغلب نظریه های معاصر یادگیری که روان شناسان مختلف در تعریف و تبیین یادگیری مطرح کرده اند، ریشه در یکی از این دو دیدگاه دارد و در هر دوره، یکی از این دو دیدگاه غالب بوده است. همان طور که افراد از نظر ظاهری باهم متفاوتند از نظر خصایص روانی مانند هوش، استعداد و رغبت هم تفاوت های آشکاری در افراد وجود دارد. در دنیای انسانها، مفاهیم هوش، یادگیری و دانش، به عنوان تعامل هایی درهم تنیده و برهم کنشگر، همواره مورد توجه و علاقه روانشناسان بوده اند. به دیگر سخن، لازمه یادگیری در انسانها برخورداری از میزان مطلوبی از بهره هوشی است.